

روز قد

چهارشنبه ۵ اردیبهشت ۱۴۰۳

شماره ۴۱۲۱

WWW.FDN.IR

FARHIKHTEGANDAILY

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

مجید شاکری، اقتصاددان در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

پاس‌کروزرها را گل‌کنید

عملیات ۱۴ آوریل فرصت‌های طلایی برای توافق هسته‌ای و گفت‌وگوهای منطقه‌ای برای ایران به وجود آورده است



زهرا طیبی خبرنگار گروه نقد روز

اتفاقاتی که در ۷ اکتبر رخ داد، نه تنها در حوزه نظامی بلکه در حوزه اقتصادی نیز آسیب‌های زیادی را به مردم سرزمین‌های اشغالی وارد کرده است. شروع جنگ اوکراین نیز علاوه بر ایجاد مشکلات امنیتی و نظامی در اوکراین، اروپا و آمریکا را با بحران‌های اقتصادی مواجه ساخته است. در واقع نمی‌شود انجام عملیات و جنگ‌ها را تک‌بعدی و تنها در حوزه نظامی موثر دانست. مجموعه‌ای از اتفاقات بعد از شروع درگیری‌ها یا عملیات‌های نظامی و امنیتی در منطقه رخ می‌دهد که طرف پیروزی می‌تواند از آنها برای داشتن دست برتر در نزاع استفاده کند. عملیات وعده صادق را می‌توان از جمله اتفاق‌هایی دانست که توازن منطقه‌ای را دچار تغییر کرده و ایران و آمریکا با نقدکردن دستاوردهای این عملیات در حوزه‌های مختلف، دست برتر را در منطقه و همچنین در مواجهه با قدرت‌های غربی داشته باشد. برای مثال اگر بتواند از پیروزی بعد از عملیات صادق استفاده درستی داشته باشد، می‌تواند از این پیروزی در پیشبرد مذاکرات هسته‌ای نیز استفاده کند و از موضع قدرت پای میز مذاکره حاضر شود. برای بررسی پیرامون اینکه ایران چطور می‌تواند از عملیات وعده صادق در حوزه‌های مختلف، خصوصاً اقتصادی، دستاوردسازی کند، با مجید شاکری، اقتصاددان گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.

□ □ □

■ ناچاریم اتفاق ۱۴ آوریل را

به آورده‌ای در حوزه‌های دیگر تبدیل کنیم

شاکری ابتدا در پاسخ به این سوال که چطور می‌شود آنچه در ۱۴ آوریل اتفاق افتاد را به یک دستاورد در حوزه‌های مختلف تبدیل کرد، گفت: «مساله این نیست که آیا می‌شود این عملیات را به آورده‌ای در حوزه‌های دیگر تبدیل کرد، موضوع این است که ما ناچاریم این عملیات را به آورده‌ای در حوزه‌های دیگر تبدیل کنیم. اگر این کار را انجام ندهیم، آثار امنیتی، نظامی این عملیات هم باقی نخواهد ماند. واقعیت است که امروز بعد از عملیات موفق از جانب ایران و تلاش ناموفق طرف مقابل برای پاسخگویی به آن، ما در آستانه تعریف یک نظم امنیتی جدید هستیم. چندسال پیش و پس از واقعه آرامکو، فارغ از اینکه عاملیت متفاوتی نسبت به این عملیات داشتیم، منطقه باز هم در آستانه یک نظم امنیتی جدید قرار گرفته بود. در آن دوره طرف ایرانی، اساساً از طراحی بسته‌های همکاری مبتنی بر آورده امنیتی ناشی از وقایع پس‌آرامکو ناتوان بود و این باعث شد با یک فاصله زمانی آن دست برتری که ایجاد شده بود، از میان برود و حتی معکوس شود و این اتفاق در حوزه‌هایی رخ داد که شاید می‌شد در چهارچوب وقایع پس‌آرامکو، سبیهایی در مورد آنها ایجاد کرد اما این انجام نشد. امروز نیز اگر طرف ایرانی از طراحی بسته‌های همکاری در شرایط جدید امنیتی شانه خالی کند یا خودش را ناتوان از آن نشان دهد، دستاوردهای نظامی، امنیتی این عملیات هم به‌مرور زمان فرسوده خواهد شد و از میان خواهد رفت. گویی که هرگز رخ نداده است.»

■ لزوم ارائه یک بسته ایجابی توسط ایران

در نظم جدید

شاکری در توضیح اینکه الان چه اقدامی می‌توان برای استفاده از این عملیات انجام داد، گفت: «با درک اینکه احتمالاً یک نظم جدید در فضای جدید رخ داده، ایران بایستی دارای یک بسته ایجابی برای شکل دهی به آینده باشد. این چند معنا دارد. ابتدا شما باید بتوانید بسته‌های امنیت و اقتصادی را با کشورهای حاشیه جنوب خلیج فارس طراحی کنید، چون به منطق کریدور (IMEC) که تکیه امنیتی این کشورها به اسرائیل بود، حمله کردید. پس باید بتوانید علاوه بر این سلبی که ایجاد کرده‌اید، طرح ایجابی را هم نشان دهید. این ایجاب نمی‌تواند صرفاً امنیتی نظامی باشد و حتماً باید معانی اقتصادی هم برای آن وجود داشته باشد تا بتواند یک بنای پایدار ایجاد کند. وقتی از بنای پایدار صحبت می‌کنیم به این معنا نیست که بناست همه اختلافات گسترده با کشورهای حاشیه جنوب خلیج فارس در آن بازسازی شود یا

تغییر پیدا کند. مساله ایجاد مرزهای مشخص سنجش‌پذیر در روابط

دوطرف است، به نحوی که ایران بتواند بسته‌هایی را طراحی کند که شامل سنجه‌های اقتصادی هم باشد که از آن سنجه‌ها به عنوان ابزار سنجش رفتار طرف مقابل استفاده کرد. چون شما نمی‌توانید در فاز امنیتی و نظامی به راحتی ابزارهای سنجش‌پذیر تولید کنید اما در فاز اقتصادی می‌شود این کار را انجام داد.»

در شرایط فعلی ایران می‌تواند از شکاف‌های موجود در منطقه استفاده کند و با استفاده از این فرصت‌ها، دستاوردهای اقتصادی و امنیتی خود را در منطقه تثبیت کند. شاکری در ادامه به دلایلی که هنوز نتوانسته موفقیت عملیات ۱۴ آوریل را به دستاورد تبدیل کند، پرداخت و توضیح داد: «یکی از دلایلی که ایران نتوانست بعد از آرامکو آنچه باید را انجام دهد، امروز هم کم‌وبیش برقرار است. اول اینکه رویکرد مقامات ایرانی در همه حوزه‌ها بخشی است و نمی‌توانند در همه حوزه‌ها، ایجاد همکاری بین‌بخشی برای طراحی چنین بسته‌ای انجام دهند. بسته‌ای که بناست امنیت، اقتصاد و نظامی‌گری در آن معنا تعریف داشته باشند، نیازمند همکاری این بخش‌هاست. ما در ایران اصلاً توانایی چنین همکاری را نداریم. نکته بعدی این است که باید تصویری از آینده داشته باشیم که این بسته، امروز شما را به آن تصویر وصل کند. این تصویر را هم نداریم.

این موضوع دومی است که اینجا پیش می‌آید. مساله سومی که وجود دارد این است که تصور ما از موفقیت، خود موفقیت است، یک مرحله نیست. یعنی فکر نمی‌کنیم الان در واقع‌های که به لحاظ نظامی در آن توفیق حاصل شده، یک مرحله جدید آغاز شده که از ابزارهای به دست آمده در این توفیق استفاده کنیم.

می‌توانیم بگوییم که در این مرحله موفق شدیم اما هنوز موفقیتی به دست نیاورده‌ایم و ابزار جدید ساخته‌ایم. با توجه به این مسائل، حفاظت از دستاوردهای عملیات ۱۴ آوریل به طرز غیرقابل‌گریز و اجتناب‌ناپذیری، شامل طراحی بسته‌های امنیتی، اقتصادی و نظامی با حاشیه جنوب خلی فارس است. نه لزوماً برای همکاری گسترده با همکاری جامع، بلکه برای تصریح و مشخص کردن خطوط درگیری و همکاری با یکدیگر به نحو سنجش‌پذیر. این هم شامل روابط ایران-قطر، ایران-امارات و ایران-عربستان است و همچنین شامل روابط ایران-اردن هم است. در یک قیاس بالاتر، معنای این عملیات در روابط ایران-آمریکا، ایران-چین و روابط ایران-روسیه فهمیده شود تا متناسب با آن، وارد مرحله بعدی سیاست خارجه با این کشورها بشویم.

در حال حاضر چنین رویکردی نه در وزارت خارجه، نه در دبیرخانه شعام، نه در مجموعه دولت دیده نمی‌شود. رویکردها عملاً محدود به تعریف و تمجید و توضیح پیروزی است. درحالی‌که این اتفاق یک مرحله است و به معنای یک پیروزی پایدار و ایستا نیست. امیدوارم ایران اشتباهات بعد از دوران پس‌آرامکو را تکرار نکند.»

■ در شرایط فعلی ایران می‌تواند سازنده پیشنهادهایی باشد

مجید شاکری انجام ندادن اقدام قابل توجه بعد از آرامکو را موضوعی دانست که شرایط را به زیان ما تغییر داد و در ادامه گفت: «وقایع آرامکو با عاملیت ایران انجام نشد اما ضعف‌های جدی ساختار دفاعی که در جنوب خلیج فارس تعریف شده بود را نشان داد و طرف ایرانی عملاً کاری نکرد تا اجازه دهد تا در سایه انجام ندادن کاری، طرف مقابلش به سمت تعریف یک همکاری با سطح بالاتر، برای ایجاد یک ساختار دفاعی مشترک و متفاوت علیه ایران، برود. آن ساختار دفاعی مشترک علیه ایران در عملیات اخیر ایران علیه اسرائیل شکست خورده است و الان در آن طرف دو راه وجود دارد؛ اینکه به سمت یک ساختار نظامی‌تر و یکپارچه‌تر ضدایران ارتقا پیدا کند یا اینکه به این سمت حرکت کند که ایران بتواند به صورت دوره‌به‌دو با کشورهای حاشیه خلیج فارس، ضمانتنامه‌های امنیت و اقتصاد بسازد. یعنی حدودی از امنیت برای طرف مقابل با هزینه خیلی کمتر از آنچه سنتکام برای کشورهای عربی می‌تراشد، طراحی شود که عملاً طرف ایرانی بتواند در نظم بعدی رویکرد ایجابی‌تری داشته باشد. مساله بعد اینکه در آن زمان بعد از آن واقعه و چند واقعه دیگری که رخ داد، طرف آمریکایی در زمان ترامپ بسته‌هایی را روی میز گذاشت که بسته‌های قابل

دفاعی نبودند و به‌گونه‌ای نبودند که بتوان گفت می‌شود به آنها تکیه

یا توجه کرد. اما رویکرد ایران امروز بایستی، ایجابی‌تر از قبل باشد و منتظر نباشد که طرف مقابل بسته‌ای را خلق کند و او آن را بالا و پایین کند. تغییر دهد یا بله و نه بگوید. بلکه سعی کند در فضای جدی پیشنهادهایی را بسازد که اولسنجش‌کنند که طرف آمریکایی حتی به اندازه محدود و مشخص، آمادگی همکاری با طرف ایرانی را دارد یا خیر و اگر دارد این منجر به دستاوردهای روی زمین و سنجش‌پذیر شود و ما دست از هدف‌گذاری موهوم رفع تحریم که نمی‌تواند منجر به انتفاع ایران شود، برداریم.»

در شرایط فعلی ایران می‌تواند از شکاف‌های موجود در منطقه استفاده کند و با استفاده از این فرصت‌ها، دستاوردهای اقتصادی و امنیتی خود را در منطقه تثبیت کند. شاکری در ادامه به دلایلی که هنوز نتوانسته موفقیت عملیات ۱۴ آوریل را به دستاورد تبدیل کند، پرداخت و توضیح داد: «یکی از دلایلی که ایران نتوانست بعد از آرامکو آنچه باید را انجام دهد، امروز هم کم‌وبیش برقرار است. اول اینکه رویکرد مقامات ایرانی در همه حوزه‌ها بخشی است و نمی‌توانند در همه حوزه‌ها، ایجاد همکاری بین‌بخشی برای طراحی چنین بسته‌ای انجام دهند. بسته‌ای که بناست امنیت، اقتصاد و نظامی‌گری در آن معنا تعریف داشته باشند، نیازمند همکاری این بخش‌هاست. ما در ایران اصلاً توانایی چنین همکاری را نداریم. نکته بعدی این است که باید تصویری از آینده داشته باشیم که این بسته، امروز شما را به آن تصویر وصل کند. این تصویر را هم نداریم.

این موضوع دومی است که اینجا پیش می‌آید. مساله سومی که وجود دارد این است که تصور ما از موفقیت، خود موفقیت است، یک مرحله نیست. یعنی فکر نمی‌کنیم الان در واقع‌های که به لحاظ نظامی در آن توفیق حاصل شده، یک مرحله جدید آغاز شده که از ابزارهای به دست آمده در این توفیق استفاده کنیم.

می‌توانیم بگوییم که در این مرحله موفق شدیم اما هنوز موفقیتی به دست نیاورده‌ایم و ابزار جدید ساخته‌ایم. با توجه به این مسائل، حفاظت از دستاوردهای عملیات ۱۴ آوریل به طرز غیرقابل‌گریز و اجتناب‌ناپذیری، شامل طراحی بسته‌های امنیتی، اقتصادی و نظامی با حاشیه جنوب خلیج فارس است. نه لزوماً برای همکاری گسترده با همکاری جامع، بلکه برای تصریح و مشخص کردن خطوط درگیری و همکاری با یکدیگر به نحو سنجش‌پذیر. این هم شامل روابط ایران-قطر، ایران-امارات و ایران-عربستان است و همچنین شامل روابط ایران-اردن هم است. در یک قیاس بالاتر، معنای این عملیات در روابط ایران-آمریکا، ایران-چین و روابط ایران-روسیه فهمیده شود تا متناسب با آن، وارد مرحله بعدی سیاست خارجه با این کشورها بشویم.

در شرایط فعلی ایران می‌تواند از شکاف‌های موجود در منطقه استفاده کند و با استفاده از این فرصت‌ها، دستاوردهای اقتصادی و امنیتی خود را در منطقه تثبیت کند. شاکری در ادامه به دلایلی که هنوز نتوانسته موفقیت عملیات ۱۴ آوریل را به دستاورد تبدیل کند، پرداخت و توضیح داد: «یکی از دلایلی که ایران نتوانست بعد از آرامکو آنچه باید را انجام دهد، امروز هم کم‌وبیش برقرار است. اول اینکه رویکرد مقامات ایرانی در همه حوزه‌ها بخشی است و نمی‌توانند در همه حوزه‌ها، ایجاد همکاری بین‌بخشی برای طراحی چنین بسته‌ای انجام دهند. بسته‌ای که بناست امنیت، اقتصاد و نظامی‌گری در آن معنا تعریف داشته باشند، نیازمند همکاری این بخش‌هاست. ما در ایران اصلاً توانایی چنین همکاری را نداریم. نکته بعدی این است که باید تصویری از آینده داشته باشیم که این بسته، امروز شما را به آن تصویر وصل کند. این تصویر را هم نداریم.

این موضوع دومی است که اینجا پیش می‌آید. مساله سومی که وجود دارد این است که تصور ما از موفقیت، خود موفقیت است، یک مرحله نیست. یعنی فکر نمی‌کنیم الان در واقع‌های که به لحاظ نظامی در آن توفیق حاصل شده، یک مرحله جدید آغاز شده که از ابزارهای به دست آمده در این توفیق استفاده کنیم.

■ از ابزار عملیات وعده صادق می‌توان برای تقویت استفاده از شکاف‌های بین کشورهای منطقه استفاده کرد

رقابت کشورهای منطقه‌ای و بین‌المللی در به کار گرفتن سیاست گسترش روابط با کشورهای حاشیه خلیج فارس، موضوع دیگری بود که شاکری به آن اشاره کرد و گفت: «با هرکشوری در پرونده‌های همکاری، دشمنی و رقابت، نیاز است بسته‌هایی را طراحی کرد که در بخش همکاری یا رقابت برای طرفین، دستاورد همکاری را زیاد و هزینه رقابت را کم کند. نیازمند توانایی طراحی، مذاکره و اجرای چنین بسته‌ای هستیم که ما در ایران چنین چیزی را نداریم. اساساً درک اینکه اینجا باید دوبه‌دو انجام شود و به اثر هرکدام از پرونده‌ها توجه شود، نیازمند داشتن تصویر درست از آینده است. مثلاً فرض کنید با رقابت عربستان و امارات مواجه هستید. تا الان استفاده شما از این رقابت که حتی به دشمنی هم تنه می‌زند، حداقل در فاز دیپلماتیک و امنیتی بوده اما الان ابزاری به معنای اتفاقات عملیات صادق داریم که باید از آن برای تقویت استفاده از شکاف‌های مابین کشورهای منطقه و تقویت استفاده از شکاف‌های مابین قدرت‌های بزرگ بهره ببریم. الان من تحرک لازم را نمی‌بینم، به این معنی که طرف ایرانی شروع کند، یکی یکی دربارہ چشم‌انداز کشورهای خلیج فارس بعد از عملیات وعده صادق، توضیح دهد که چه در ذهن دارد و چه چیزی می‌خواهد. من اصلاً چنین چیزی را نمی‌بینم. یا مثلاً الان نوبت آن است که طرف ایرانی در مورد خط قرمزهایی که تعریف کرده، نسبت خود را با کریدور IMEC تعریف کند یا مثلاً اگر ایران فکر می‌کند ضربه‌ای به اسرائیل زده باید مسیرهایی که او بتواند یک پاسخ اقتصادی به ایران بدهد را مهار کند که چنین چیزی دیده نمی‌شود.»

شاکری در ادامه به این موضوع اشاره کرد که تعریف بسته ایجابی با کشورهای جنوب خلیج فارس، بخشی از اقدامی است که می‌توان انجام داد و گفت: «بخشی هم داشتن تصویری از معنای ادامه پرونده مذاکره ایران و آمریکاست که با معنای فعلی متفاوت خواهد بود. بخش دیگر هم به این برمی‌گردد که ایران باید در پرونده ایران-چین، رویکرد متفاوتی را نسبت به رویکرد فعلی داشته باشد که هنوز رخ نداده است. یعنی شکاف‌هایی وجود داشته که ایران می‌توانست از آن شکاف‌ها استفاده کند و حالا به خاطر عملیات، توانایی استفاده از شکاف‌ها خیلی بیشتر از قبل شده اما هنوز متوجه نیست که موضوع و موضعش باید جایگیری در شکاف‌ها باشد.»

■ وضعیت نه تنش

نه مذاکره شکست خورده است

شاکری در پاسخ به این سوال که عملیات وعده صادق دست ما را برای مذاکرات با آمریکا بازر می‌کند یا شرایط را سخت‌تر، نیز توضیح داد: «برای هر دو سناریو باید آماده باشیم. تا قبل از این موضوع در پرونده ایران-آمریکا، رفتارهای ایران از نظر طرف آمریکایی خیلی موثر نبود. یعنی آمریکا معتقد بود که طرف ایرانی را مهار کرده است. الان بعد از عملیات آن اعتقاد تا حدی زیادی فروشکسته است. اما اینکه مرحله بعدی یا باور بعدی آمریکاست که با معنای فعلی متفاوت خواهد بود. بخش نیست که فردا مذاکره مستقیم انجام دهم، ایده مذاکره خیلی مهم‌تر این مذاکره مستقیم و غیرمستقیم است. با دست فرمان مذاکراتی که صرفاً به دنبال بازگشت حقوقی آمریکا به برجام، بدون داشتن عینک انتفاعی از اسفند ۹۹ تا الان که مذاکره انجام شده، نمی‌توان مذاکرات را ادامه داد. بایستی خواسته‌های سنجش‌پذیری آماده داشته باشیمید

در لحظه مناسب، وقتی آن را روی میز بگذارید، بتوانید از آن برای

پاسخ به این سوال استفاده کنید که اصلاً طرف مقابل می‌خواهد انتفاعی به من برساند یا خیر؟ وضعیت نه تنش، نه مذاکره که تقریباً رویکرد غالب در سال ۱۴۰۲ بود، شکست خورده است. این هم مربوط به اراده طرف ایرانی نیست. مجموعه‌ای از وقایع از ۷ اکتبر به بعد رخ داده که شکست این رویکرد را نشان داده است. حالا سوال این است که رویکرد جدید باید چه باشد؟ برعکس گذشته که طرف ایرانی به دلایل متفاوت نقش کمتری در ساختن این رویکرد داشت، حالا می‌تواند نقش بیشتری داشته باشد و سوال این است که آیا برای ساختن بسته‌های ایجابی آماده هستیم؟»

سال انتخاباتی آمریکا گذر از روزه‌ای بعد از عملیات فرصت ایران را محدود کرده است. شاکری در ادامه در این باره توضیح داد: «به دو دلیل فرصت ما کم است. هم اینکه هرچقدر زمان بگذرد، آثار شناختی عملیات وعده صادق کمتر می‌شود، هم اینکه به انتخابات آمریکا نزدیک می‌شویم. اما نقطه شروع این موضوع لزوماً از مذاکره با کشورهای جنوب خلیج فارس مهم است و مساله دوم و به همین اندازه مهم، تغییر راهبرد روابط مابین ایران و چین از وضعیت فعلی که ایران صرفاً علاقه‌مند است صادرکننده مواد خام به چین باشد، به یک وضعیت بالاتر است. مورد دوم چیزی است که در کنار عملیات وعده صادق می‌تواند طرف آمریکایی را به این سمت هل دهد که نمی‌شود الان مثل ۱۴۰۲ طرف ایرانی را با امتیازهای کوچک و ۶ میلیارد دلار و امثال

اینها مهار کند.» شاکری درباره اینکه چقدر استفاده از این دستاوردها می‌تواند در اقتصاد داخلی و کنترل ارز و نوسانات اخیر تاثیر بگذارد، نیز گفت: «بخش مهمی از نوسانات طلا و سکه مربوط به انس جهانی بود که رکورد زده و همه هم مطلعند و اصلاً وظیفه بانک مرکزی کنترل قیمت طلا و سکه نیست، مگر جایی که دارد نقش سایه را برای دلار بازی می‌کند که این هم نسبت به گذشته مقداری ضعیف‌تر شده است. در حوزه ارزی دو قسمت مورد توجه قرار دارد؛ یک اینکه شما یک سری اتفاقات روی زمین دارید. مثلاً فروردین ماهی است که در آن بازار کم‌عمق است و ضمناً از سال گذشته با موضوعی مواجه بودید که به دلیل قطع گاز پتروشیمی‌ها در زستان به خاطر کمبود مساله گاز، در ابتدا و نیمه بهار با کاهش ورودی آنها در بازار هم مواجه می‌شدید.

فلذا می‌توانیم بگوییم فرودین سنجه مناسبی برای کل امسال نیست یا می‌توانیم به قاعده فرودین درباره کل سال حرف بزنیم. اما کلاً اگر مساله را این بدانید که ایران باید هر برنامه‌ای در سیاست خارجی را با احیای ساختار پرداخت رسمی رفع کند، الان فرصت مناسبی برای این است که در ضمن آن اقدامات مختلف، اجزای داشتن این پرداخت رسمی خارجی را توزیع کنیم و این پارزل را قسمت، قسمت حل کنیم»

شاکری اشاره‌ای نیز به سفر رئیس‌جمهور به پاکستان داشت و توضیح داد: «دولت رئیسی سیاستی تحت عنوان سیاست همسایگی دارد که گزینه آن دادن اهمیت و وزن به سیاست همسایگی است. همین سیاست تا به حال، مهم‌ترین دستاورد مرئی موضوع توافق پکن مابین ایران و عربستان بوده است. در واقع، یک پرونده از موضوع بین‌المللی به همسایگی تغییر وضعیت پیدا کرده است. این درس است که اگر سعی کنیم روابط دوجانبه را جدا از روابط بین‌المللی و جدا از روابط با قدرت‌های بزرگ ببینیم، احتمالاً نوان‌مان برای اثرگذاری در آن کمتر می‌شود و آنجایی که با همه توان بین‌المللی وارد صحنه بازی می‌شویم، امکان تغییر صحنه بازی به وجود می‌آید، فلذاً اینجا مثلاً پاکستان به خودی خود اولویت نیست. معنی پاکستان در روابط سه‌جانبه ایران، چین و پاکستان است که مهم است. حتی آنجایی که دربارہ کشورهای جنوب خلیج فارس صحبت می‌کنیم، با علم به اینکه اگر فضای دور زدن تحریم نیز در آنجا ایجاد شده، این فضا ماندگار به همراه تحریم‌های آمریکا به طرف ایرانی فروخته شده است، آن وقت درک‌مان از اینکه درجا باید چه چیزی را بخواهیم متفاوت خواهد شد.

پس سفر به پاکستان را به خودی خود در این جهت نمی‌بینم که ایران نشان داده می‌داند نقد کردن عملیات وعده صادق را باید از کجا شروع کند؛ هرچند که این سفر اصلاً از قبل برنامه‌ریزی شده که عملاً آنچه برای آن بیشتر موثر است، مجموع رفت و برگشت امنیتی نظامی است که مابین ایران و پاکستان، حدود چند وقت پیش رخ داد.»

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir